

ارزش و اهمیت همکاری بین آموزشگاه و خانواده

دکتر انسی خانم بتول شیوائی مدیر دبستان نمره ۵ دختران در کانون بانوان موضوع خطابه بنده ارزش و اهمیت همکاری بین آموزشگاه و خانواده است. برای

تربیت اطفال، بعد از چندین سال مطالعه و تجربه در تربیت اطفال آموزشگاه بالاخره این نتیجه را گرفتم که اولیای اطفال و آموزشگاه مشترکاً میباید برای وحدت روحی اطفال کار کنند تربیت خانوادگی و تربیت آموزشگاه بالاتفاق میتواند اطفال را خوشبخت و سعادتمند کند و آنها را باجریان حقیقی حیات آشنا سازد و الا تربیت یکطرفی تقریباً بیفایده است.

در آموزشگاه های دولتی که خوشبختانه من هم یکی از کارکنان آن میباشم نصف بیشتر جمعیت شاگردان از توده و با طبقه سوم است نصف دیگر از حدود این طبقه خارج شده طبقات دیگر میرسد اگر چه بین همان دسته اول و از همان خانواده های کوچک و ضعیف گاه بچه های مستعد و حساس پیدا میشود که بدون کمک خارجی از همه جلو میافتند و بسیاری از نوابغ هم از بین همین طبقه ظهور نموده ولی بهات فقدان هر گونه وسیله تربیت در محیط زندگی آن بیچاره ها عملاً روی سخن در اینجا بیشتر متوجه نصف دوم است که بدو قسمت میشود: قسمتی که دست پدر و مادر همانطور که در طفولیت حامی و راهنما و تکیه گاه بوده در روز تحصیل هم با بچه همراه است و در همه جا از لغزش و خطا های او جلوگیری می نماید. ایندسته اطفال از همه سبقت گرفته قوای عقلانی و اخلاقی آنها [بخوبی رشد و نمو حاصل نموده و زحمات مربیان در باره آنها بی نتیجه نمیماند.

قسمت دوم عکس دسته اول از خانواده هائی میباشند که طفل خود را از همان روز اول با تمام مقدراتش با آموزشگاه میسپارند و از آن بعد با اعمال و افعال او دقت نکرده از همه چیز وی دست شسته و با خیال راحت کنار مینشینند یا اگر خیلی احساسات بخرج داده اظهار حیاتی کردند (چنانکه مکرر دیده شده) چند قلم در حاشیه کارنامه طفل میبرند. مثلاً تعجب است با همه زحمات ورنجهائی که این بچه متحمل شده باز هم نمره هایش ضعیف است یا آنکه باین مطالب هم در ظرف سال بر نخورده آخر سال وقتی طفل بیچاره بکلاس بالا رفت مابوس و محروم ماند بحال بیچارگی او رقت آورده کاغذ مطلوبی بضمات آنکه پس از ده بابوست روز او را بسایر شاگردان رسانده و معلوماتی را که آن طفل در مدت یکسال نیاموخته است در ظرف اینمدت کم معجز وار باو میآموزند نوشته بمدر آموزشگاه میفرستد چون در مدت تعلیم خود اغلب با اینگونه اشکالات مواجه شدم رفته رفته حس کنجکاری و تحقیق در اینمورد در دماغم رشد نمود تا آنکه از راه و بیراه در مقام بازرسی برآمدم خلاصه برای جستن علت آنقدر کوشیدم تا مقصود بدست آمد و مختصری از مجهولات برایم روشن شد. دانستم از ایندسته اطفال پنجاه در صد بطور قطع نصف صحیحشان آنهائی هستند که مادر هایشان متصدی کار خارجی بوده شغل اداری یا کار های خارج از محوطه منزل دارند

که با تمام وقت آنها را مصروف میدارد اینگونه اطفال نامنظم، ضعیف‌البنیه، خون سرد و عاری از تربیت هستند. ۳۰ درصد اطفالی هستند که اختلالات و منازعات خانوادگی، عدم آرامش و سکونت خانواده بیچاره‌ها را بدبخت نموده از نوازش و مهر پدر و مادر محروم داشته‌است این اطفال کند ذهن، لجوج، حسود و درغکوبار می‌آیند بقیه اولاد خانواده‌های عیاش و خوشگذران است که جهت راحتی خود تکامل ذهنی را با آموزشگاه و اخلاقی را بتصادف واگذار نموده‌اند بچه‌های اینها متکبر، خود خواه، بازیگوش، مسخره، بی فکر و جاه طلب می‌باشند.

بعد از تحقیقات مذکور و تنظیم روحیه این اطفال فهمیدم آب از کجا گل آلود و منشاء خرابی کجاست؟ ضعف قوای اطفال بیچاره، علت عدم تاثیر تربیت در آنها از کجا شروع می‌شود.

در قسمت اول اگر چه خود بنده تمام عمرم در آموزشگاه صرف شده و فلامم سفولم و باین کار علاقه خاصی دارم با اینحال باشغل خارجی داشتن خانمهای صاحب خانواده یعنی مادران ابتدا موافق نبوده و نیستم و هرگز عقیده ندارم خانم خانواده یا مادر چند فرزند اوقات روزانه اش را بجای صرف در تربیت اولادش بکارهای خارجی بیرون از منزل صرف کند مخصوصا در این محیط و این طریقه زندگی که خانواده وظایف خاصی بزنگار و بانو تحمیل میکنند البته اگر روزی مثل بعضی کشورهای دنیا در این کشور هم مؤسساتی تشکیل شد که توانست اطفال را مثل دامان مادر پذیرائی و پرستاری نماید آنگاه بدیهی است اشکالی نداشته و مادر میتواند از کارهای خارجی و دخول در ادارات استفاده نماید. خانم فرانسوی صنعتگری که روزی تحقیقاده تومان عایدی داشت مغازه و منزلش مجاور هم و تقریبا یکی بود خودش بمن گفت با این عایدی که دارد اگر خانه و مغازه عایدی بودند از این عایدی سره نظر میکرد و متر آن میدانست که در منزل نشیند تا کار کند.

در همین عبارت ساده و کوچک که در بادی نظر چندان مهم و جالب دقت نیست چه مطالب بزرگی مخفی است، حقیقتا اینک صرفه جوئی در زندگی، خانم خانواده را از کارهای خارجی بی نیاز میکند فرضا اگر عایدی مرد خانواده آنقدر کم باشد که صرفه جوئی‌ها باز هم کفایت زندگانی را ننماید آنوقت ناچار خانم مجاز است یکقسمت از اوقات خود را صرف يك شغل و خدمت خارجی بکند که كمك باشد.

وقتی در کلاس آموزشگاه از درك فهم معانی کسب های مکروه و مباح عاجزه می‌اندم حالا خوشبختانه خوب بمعنی برخورد و فهمیدم کسب مادر با داشتن چند فرزند و از خانه بیرون رفتن او برای توسعه معیشت از مکاسب مکروه است و ممکن است کسب زنی که طفل ندارد و شرکت او در کار معاش خانواده لازم است مباح باشد.

چطور میشود قبول کرد با وظیفه سنگینی که زن در تربیت اولاد و ترتیب امور زندگی هم دارد بتواند بار دیگری هم که تهیه وسائل زندگی است بدوش خود گیرد و از عهدا هر دو

بخوبی برآید من منکر عرضه ولیاقت زن در کارهای اداری نیستم بلکه کاملاً معتقدم که از عهده انجام آن بخوبی برمیآید ولی عقیده دارم اصلاً زن درخاقت، عشق و ذوقش با اداره امور خانه و تنظیم و ترتیب وسایل زندگی و تربیت اولاد بیشتر از همه است یقین دارم وقتی خانمی اطافتش را با وضع قشنگی از میل و کل و بعضی زینت‌ها و سنایم ظریفه دستی مزین میکند بمراتب بیشتر لذت میبرد تا بمنظم نگاهداشتن آرد و مواد اداره. بعقیده من خوشبخت آن خانمی است که خانه‌اش بهشت، خودش بمنزله فرشته و اطافتش چون ملائکه هستند.

اما موضوع دوم که همیشه بمراتب بیشر از موضوع اول است نزاع و کشمکش خانوادگی است که کمترین ضررش بدبختی و بیچارگی اطفال است، این مسئله ناشی از عدم توافق اخلاق و بگانگی و اتحاد است محبت و علاقه و همذوقی بین زن و مرد اساس زندگی خانوادگی است و آن وقتی حاصل است که محبت و علاقه پایه معنوی و حقیقت قلبی باشد. صاحبان ذوق گفته اند: اتحاد و دوستی را باید حقیقت و روحی در کار باشد برای الفت و وداد اسباب و علائمی لازم است البته تا آن حقیقت و آن اسباب لباس هستی نباشد و صورت خارجی پیدا نکند مجال عقل است اتحاد تحقق پذیرد. بنابراین هیچ خانواده بمقام الفت و اتحاد که سرمایه زندگی خانوادگی است نمیرسد مگر بوسیله سه چیز: وحدت عقیده متناسب و توافق اخلاق. تعاون آنها در تربیت اطفال. مثلاً اگر زن و مردی که تشکیل دهنده خانواده هستند بربك عقیده اتفاق کردند و از روی یقین احساس نمودند که حفظ اطفال و تربیت آنها از وظائف حتمی ایشان است مجال است راه مخالفت پیش گیرند و رسم ستیزگی اختیار کنند اگر هر يك حسن خلق داشته باشند همان خاق نيك رابطه دوستی و محبت قلبی آنان میشود اگر در اعمال شريك باشند و در گردش چرخ عائله قسیم آنوقت بالطبع عناد و نفاق را ترك گفته برای پیشرفت و ترقی خانواده در راه سعادت و رستگاری اولاد خود با يك شوق مفرطی خواهند کوشید پس میتوان گفت منبع سعادت خانواده تنها دوستی و اتحاد واقعی اولیای آن خانواده است و همینطور حوالود سعادت يك خانواده هم داشتن فرزندان مهذب تربیت شده میباشد

باری مقصود از اینهمه تصدیق آنست که اولیای اطفال بدانند بمثل مشهور که: يك دست صدا ندارد تنها آموزشگاه نمیتواند جوانان مهذب و منظم بجامعه بدهد اولیای اطفال، محیط و جامعه در اخلاق و اطوار و هوش و استعداد اطفال مداخلت تام دارند و این مقصود وقتی انجام پذیر خواهد بود که اولیای اطفال مستقیماً مسئول تهذیب اخلاق و رفتار اولاد خود باشند تا موجب اصلاح جوانان کشور و آموزشگاه در راه تربیت نونهالان جامعه فراهم شود.

البته معلوم است مقصود من از شرکت اولیای اطفال اضافه نمودن تکالیف شبانه یا استخدام آموزگار خصوصی و واداشتن بچه بکار زیاد نیست بلکه منظور من مساعدت در اساس امر است که اطفال: اخلاق حسنه، اطاعت، وظیفه شناسی، دقت، صفا، صمیمیت، کار و جدیت یادگیرند تا تربیت آموزشگاه هم در تلقین این صفات مؤثر واقع شود زیرا که طفل

در ایامی که در خانواده بسر میبرد رفتار و کردار و گفتار پدر و مادر و سایر افراد خانواده را بی فکر و تأمل و بدون قصد و اراده فرا میگیرد کسانی را که از خود بالاتر و برتر میدانند نمونه و سرمشق زندگی قرار میدهد و میکوشد شخصیت خود را بشخصیت آنان شبیه سازد.

بعقیده من اگر اولیای اطفال با این نقائص و مشکلات از قبیل نبودن محیط مناسب، جای بازی، همبازی خوب و نظایر آن که هم کار آنها و هم وظیفه ما را سخت کرده باز هم همتی کنند قدم بزرگی بطرف اصلاحات بر داشته خواهد شد، عجالنا اگر از بنده بپرسند که تکلیف خانواده های حالیه نسبت بشرکت در تربیت اطفال چیست؟ من اینگونه جواب خواهم داد:

حالا که عظمت تاثیر اخلاق اولیای کودکان در حالات و روحیات اطفال مسلم گردید خانواده باید نسبت باطفال دوره تربیتی پیش گیرد: یکی منفی و دیگری مثبت. اما راه منفی آنست: اولاً پدر و مادر بکوشند از اختلافات و منازعات خانوادگی که سبب بد اخلاقی اطفال و بی قیدی آنها در زندگی میشود جاوگیری نمایند.

دوم خصوصاً بچه را از محیط بد، مصاحب ناچسب و عادات مضر دور دارند و در پارک، اوقات و همچنین بعضی مجالس مانند شب نشینی ها، صرف غذا های مضر از ماکول و مشروب که ممکن است والدین معتاد باشند، حتی از دیدن آنها و یا صحبت های نامناسبی که پیش بیاید و نیز از رفتن بتماشای فیلمهای عادی نامناسب مخصوصاً جنائی و عشقی و بسیاری دیگر که برای اطفال مضر است و امثال اینگونه خطر ها محفوظ دارند. راه مثبت آنست که برای اوقات درس و تفنن بچه تربیتی صحیح قائل شده و آنرا حتی الامکان اجراء کنند مثلاً مواظب باشند که بچه در ساعات معین تکالیف درسی را حاضر کند باشتاب زدگی ولی دقت خصوصاً خلاف صحت کار نکند اوقات کار و خورد و خواب او منظم باشد شبها زودتر بخواب رفته صبح زود بیدار شود زیرا خورد و خواب در نمو و پرورش روح و مغز تاثیرات مخصوص دارد باید حس عفت و متانت را در آنها پرورش داد، تا بتوانند در مقابل مشکلات و مصائب روزگار استوار باشند اطاعت مقررات کشور را در جان و دل آنها رسوخ داده تا از لذات بی جا چشم بپوشند مخصوصاً در استقلال روحی و اعتماد بنفس و ترتیب زندگی و صمیمیت او مراقبت نمایند، او را وادار نمایند قسمتی از کار های شخصی خود را انجام دهد تا باین وسیله در کار های خانه علاقمند شده کم کم از مداخله در آن اعمال لذت برده برای او صورت تفریح پیدا کند ضمناً باید باو تلقین نمایند که آدم بیگار باری است بر دوش جامعه که بی تحمل رنج و زحمتی از دسترنج دیگران استفاده مینماید بالاخره آنچه ممکن است ملکات فاضله را در او تربیت کنند گمان دارم طفل هر کس که میوه زندگی او است لیافت این اندازه توجه را داشته باشد.

وقتی در اروپا هم باین موضوع مراقبت نمیکردند و سر نوشت او را بآموزشگاهها و امیکذاشتند و بموجب همین عادت بود که دانشمند انگلیسی Spencer گفته: مردم مواظبت

و توجهی را که در باره اسب خود مصرف میدارند از اولاد خود مضایقه میکنند ولی حالا در کشور های مغرب زمین موضوع تربیت اطفال اهمیتی بسزا پیدا کرده است در این مورد مطلب زیاد است و سخن بسیار ولی محض اختصار سخن را خاتمه داده و آنچه را در اول عرض کردم در خاتمه هم بتاکید تکرار میکنم که برای اینکه ما بتوانیم جوانان سالم و تربیت شده لایق برای خدمت به میهن و جامعه تهیه کنیم ناچار باید خانواده با آموزشگاه در راه این مقصود همدست شده و در این مسئولیت بزرگ شرکت کنند .

چندی قبل در مجله خواندم که در آلمان سبک نوینی برای همکاری و معاونت آموزشگاه و والدین اتخاذ شده است باین ترتیب که شورائی تشکیل میشود اولیای شاگردان و آموزشگاه جاسانی در آموزشگاه منعقد نموده و با اظهار عقاید و آراء هر پیشنهادی که دارند ارائه و ابراز مینمایند تا هر يك از پیشنهادات مزبور بنظر آموزگاران جهت تربیت و تهذیب اطفال سودمند افتد و آن پیشنهادها مورد قبول طرفین واقع گردید آنها را بموقع اجراء میگذرانند . البته اینموضوع در کشوری عملی میشود که همه افراد آن باسواد و وظیفه شناس باشند برای ما نیز اینك که در کلیه شئون ملی ایران ترقیات محسوسی حاصل شده انتظار ترقی و تعالی افراد نیز بنحو کامل میرود . ملت زنده و شایسته تنها ملتی است که هر يك از افراد آن خواه مدبر آموزشگاه و خواه پدر و مادر در ادای وظایف انسانیّت بجان و دل بکوشند و در گردش چرخ زندگی باهم شریک باشند .

چنانچه این رویه بیشترت نماید اطفال عادات و اطوار خوب را از اولیای خود و احساسات و عواطف را از مربیان وظیفه شناس و مشفق فرا گرفته و بالاخره افرادی خواهند شد که کشور بوجود آنها محتاج است .

اما خدا نکرند اداره کنندگان این چرخ وزین و امر خطیر که والدین و مربیان میباشد راه خطا بروند و چرخ زندگی اطفال بیچاره را معکوس بچرخانند آنوقت هم دست خود و هم جسم بچه های عزیز را خورد و نابود خواهند ساخت .

در خاتمه امیدوارم حالا که بانوان ایران نیز در راه ترقی و تعالی همدوش و همقدم مردان شده اند لازمه همدوشی و تمدن را مراعات نموده از مزایا و خصائصی که طبیعت برای تربیت اولاد در وجود آنها بودیمت نهاده است استفاده نموده و بدانند وقت آن رسیده است که گفته ها عملی شود . شاهنشاه بزرگ ما هم همیشه ما را به ادای وظیفه دعوت ميفرمايند هر گز فراموش نمیکنم روز ۱۷ دی سال گذشته و فرمایشهای قانده و شاهنشاه بزرگمان را که خطاب بما فرمودند :

« شما خواهران و دختران من حالا که وارد اجتماع شده و قدم برای سعادت خود و کشور بیرون گذارده اید بدانید وظیفه شماست که در راه میهن خود کار کنید سعادت آتیه در دست شماست ، شما تربیت کننده نسل آتیه خواهید بود و شما هستید که میتوانید آهوزگاران خوبی باشید و افراد خوبی از زیر دست شما بیرون بیاید . »